



چکیده:

اندرونی قصر شاهان قاجار در پایتختشان یکی از ناشناخته‌ترین و گمنام‌ترین بخش‌های شهرمان است. همراه با این بی‌نام و نشانی، تهران بخشی از هویت تاریخی و زندگی شهری و سنت معماری و ساختار کالبدیش را نیز از دست داده است. حرمسرای شاهان قاجار، در هر کتاب و مقاله‌ای که به بررسی تاریخ اجتماعی – سیاسی آن دوران می‌پردازد، جایگاهی ویژه و حساس دارد اما اطلاعات و داده‌ها از وضعیت کالبدی آن هیچ است. ما در این نوشتار، در قالب معمار، تلاش کردیم تا با اندک اسنادی که از گوشه و کنار گردآوری شده است دست به بازنمایی این مجموعه در دوره‌ای کوتاه از عزمش بزنیم که مربوط به یک و نیم دهه پایانی سلطنت مقتدرترین پرسابقه‌ترین سلطان قاجار می‌شود.

مقدمه

هنگامی که از میدان امام خمینی (ره) یا توپخانه به سمت جنوب سرازیر می‌شوید به خیابان «باب همایون» پا گذاشته‌اید، روبرویتان ساختمان‌هایی سرد، کشیده و بلندمرتبه و تابلوی عظیم وزارت اقتصاد و دارایی خودنمایی می‌کند. در انتهای خیابان باب همایون اگر به سمت چپ بپیچید، نرسیده به خیابان ناصرخسرو، مسجدی کوچک قرار دارد به نام «درب اندرون» آن هم در میان شلوغی‌های خیابان صوراسرافیل کاملاً پنهان شده است. سؤال این است: باب همایون و

اندرونی قصر ناصری طهران؛

تلاش برای بازنمایی مجموعه اندرونی و حرمسرای قصر سلطنتی طهران در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار*

بهنام ایوتراییان

کارشناس ارشد معماری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

الناز نجار نجفی

دانشجوی دکتری معماری دانشگاه شهید بهشتی

تقدیم به یحیی ذکا و محمدحسن سمسار

درب اندرون کجا هستند، چرا هستند، و چرا نیستند؟

متأسفانه مجموعه اندرونی قصر پادشاهان قاجار در پایتخت ایران با تکمیل ساختمان‌های کاخ دارائی در نیمه اول قرن حاضر بطور کامل محو و نابود شد. این مجموعه گنجینه‌ای از کالبد معماری دوران خود و سنت‌های معمارانه پیش از خود بود که اگر امروز برجای می‌ماند می‌توانست تبدیل به موزه‌ای غنی از بینش ایرانی به زندگی خصوصی در شهر باشد؛ گذشته از آنکه به لحاظ کالبدی حیاطی وسیع و زیبا در مرکز شلوغ و آلوده شهر نیز می‌داشتیم.

فرو ریختن سقفی که تغییرات بزرگی در پی آورد

در نخستین روزهای بهار ۱۲۶۱ (۲۰ جمادی الاولی ۱۲۹۹) ناگهان بخشی از سقف اتاق نارنجستان فرو ریخت. اتاق نارنجستان تالاری بزرگ رو به باغ نارنجستان بود که ناصرالدین شاه معمولاً بیشتر اوقات نیمه‌رسمی‌اش را در آن سپری می‌کرد و شام و نهارش را آنجا می‌خورد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۶۳). این حادثه باعث شد تا شاه تردید را کنار گذاشته و عزمش را برای تغییرات گسترده در مجموعه

اندرونی و حرمسرایش جزم کند.

اندرونی قصر پادشاهان قاجار تا این زمان محوطه‌ای به وسعت تقریبی چهل و شش هزار مترمربع را دربرمی‌گرفت (کرشیش، ۱۲۷۵ق). این مجموعه به مرور زمان از یکصد و بیست و سه سال پیش‌تر یعنی دوران اقامت کریم‌خان زند در طهران عتیق (تایستان ۱۱۳۸/۱۱۷۲ق) ساخته و در دوران سلطنت آقا محمد خان قاجار، فتحعلی‌شاه، محمد شاه، تا سی و سومین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه تغییرات فراوانی کرده بود. مشکلات وضعیت قدیمی عمدتاً در دو مسئله جلوه می‌نمود: نخست وضعیت زمین در مکان قصر بود که به دلیل ساخت و سازهای متوالی از خاک سستی برخوردار شده، و دوم مشکلات ناشی از عبور مسیر قنات‌های مهرجرد و ناصری (شاه) از زیر محوطه اندرونی بود. برای تعمیر خرابی‌ها سالیانه سی‌هزار تومان نقره از خزانه صرف می‌شد (رهنما، ۱۳۵۵: ربیع‌الاولی ۱۳۰۰). در اثر حادثه اتاق نارنجستان تصمیم بر آن شد تا مجموعه عمارت‌های اندرونی بطور کلی تخریب و بر اساس طرحی جدید دوباره بنا شود.

فرح آباد یا حرم سرای مبارکه

تصمیم‌گیری برای تعیین وضعیت آینده عمارت اندرونی با بحث درباره مسئول امور بنایی دربار گره خورد. به همین منظور در محل آبدارخانه شورای تشکیل شد. خود شاه میل داشت تا میرزا ابراهیم خان امین‌السلطان مسئول بنایی باشد اما بسیاری برای اشغال



هزار تومان نقره بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۷۰). قرار بر آن شد تا از اواخر اردیبهشت (اول رجب ۱۲۹۹ق)، زمانی که شاه بخاطر ییلاقی طولانی شهر را ترک می‌کرد می‌رفت، عملیات بنایی آغاز شود.

از سه، چهار روز بعد همه اهالی حرمخانه شاهی، یعنی زنان و دختران و خواجه‌گان و محرمان و خادمان، هرآنچه اسباب داشتند، حتی هیزم و ذغال خود را، به خانه‌هایشان بیرون از حرم یا منزل اقوام فرستادند. محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله، همو که بعدتر لقب اعتمادالسلطنه گرفت، و خود از موافقان انتصاب امین‌السلطان به مباشرت بنایی بود در خاطراتش نوشته که امین‌السلطان برای نفع شخصی همه عمارت‌ها را خراب خواهد کرد تا از نو بسازد و کاری که با یک بیستم هزینه انجام می‌شود را می‌خواهد با دویست هزار تومان انجام دهد؛ حتی به عمارت فتحعلی شاهی، که از ابنیه بسیار ممتاز قدیم است، نیز رحم نمی‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۷۱).

روند تخلیه کامل اندرونی با استخدام حدود سیصد نفر به سرعت پیش رفت و ظرف کمتر از یک هفته اهل حرم شاه، به عزم عمارت ییلاقی صاحبقرانیه، محل را ترک کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۷۳). در این میان برخی اشیاء نفیس نیز به سرقت رفت؛ از جمله چند آئینه و چند تابلوی نقاشی از صورت محمد شاه و ناصرالدین‌شاه از اتاق شمس‌الدوله، در حیاط خزانه، کنده و ناپدید شده بود (اعتمادالسلطنه، ۳۵۰: ۱۷۱).

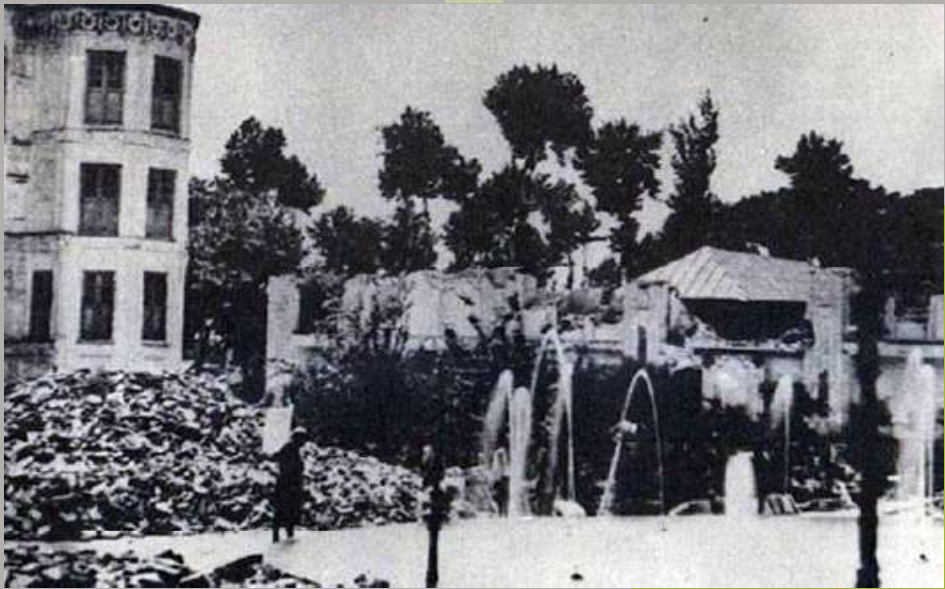


سرانجام پس از هفت ماه کار سنگین و طاقت‌فرسا عملیات ساخت عمارات اندرونی به پایان رسید، و اهل حرم شاه از دربه دری نجات پیدا کردند. روز ۲۶ دی (۷ ربیع اول ۱۳۰۰) شاه برای اینکه رسماً به عمارت جدید پا بگذارد، علی‌رغم کسالتش و بنا بر سنت، باید از شهر خارج می‌شد. بنابراین به عشرت آباد رفت و عصر به طهران مراجعت کرد. آتش بازی مفصلی برای شب تدارک دیده شد. کامران

سمت یحیی خان معتمدالملک، پس از برکناری، دندان تیز کرده بودند. سرانجام پس از دو روز مجادله (یازده روز بعد از حادثه اتاق نارنجستان) مباشرت امور بنایی به جناب امین‌السلطان سپرده شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۶۵).

بیست روز بعد، امین‌السلطان صورت هزینه‌های تغییرات اندرونی را به نظر شاه رساند. تخمین امین‌السلطان مبلغی حدود یکصد و پنجاه

کاغذ
اخبار



میرزا نایب السلطنه تعارفاتی از قبیل آیینیه و کلام الله و غیره برای مبارکباد فرستاد و سایرین نیز به تبعیت از او چنین کردند؛ همچنانکه ظل السلطان نیز پانصد تومان تعارفی پیشکش کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۱۱).

به جای حیاط‌های ریز و درشت اندرونی قدیم، یک حیاط وسیع ترتیب داده شده بود با صد و بیست ذرع طول و صد ذرع عرض. براساس محاسبه نویسنده روزنامه شرف مساحت عرصه بیست و پنج هزار ذرع‌مربع، و مساحت اعیان بیست هزار ذرع‌مربع است. دورتا دور این حیاط را تالارهای سهدری بزرگ فرا گرفته‌بودند که پنجره‌های اُرسی داشتند. پنج تالار در طول و چهار تالار در عرض حیاط قرار می‌گرفت. در این مجموعه هشت رختشوی‌خانه، نه حمام، و پانزده حیاط خلوت مسکون وجود داشت، و تعداد اتاق‌های آن به پانصد باب می‌رسید (رهنما، ۱۳۵۵: ربیع‌الاولی ۱۳۰۰).

عمارات اکثرأ دو طبقه بود. سقف‌های طبقه پایین کوتاه بود اما طبقه بالا سقف بلند و وسیعی داشت. اکثر اتاق‌ها سه در داشت. درهای طبقه پایین کم عرض بود. اتاق‌های آن طبقه نیز تو در تو بود ولی طبقه بالا شاه‌نشین‌های بزرگ و تالار داشت. برخی از اتاق‌های آن سه در داشت و برخی با درهای اُرسی‌دار بود. پله‌های عمارت از بیرون و تمامشان از سنگ بود. پشت بام هم بلند و تیغه‌های اطرافش تمامآ جری بود. عمارت اندرونی با آن همه حیاط، دالان‌های تو در تو، و دیوارهای بلند و یکنواخت حالت یک قلعه نظامی را پیدا می‌کرد (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق: ۳۶۸).

از بررسی متون و مقایسه نقشه (کرشیش، ۱۲۷۵ق) با نقشه (نجم‌الملک، ۱۳۰۹ق)، سندی که عبدالغفار نجم‌الملک نه سال بعد

از ساخت اندرونی جدید ترسیم کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که حاصل فعالیت‌های امین‌السلطان منجر به آن شد که مساحت اندرونی به پنجاه و پنج هزار مترمربع افزایش یابد. این افزایش به دلیل الحاق املاکی است که در جبهه شمال شرقی وجود داشت. از عمارت‌های قدیم تنها بخش‌های محدودی باقی مانده و در وضعیت جدید مستحیل شدند. این بخش‌ها عبارتند از:



درب اندرون

بخش کوچکی از کنج شمال شرقی املاک الحاق شده به گشایش دروازه‌ای کالسه‌کو رو اختصاص داده شده است که به «درب اندرون» مشهور شد. این ورودی بزرگ و مفصل در (نجم‌الملک، ۱۳۰۹ق) بصورت پیشخوان بزرگی ترسیم شده است که به یک حیاط ختم می‌شود. گویا هر گاه شاه می‌خواست با هیئتی مفصل و دم و دستگاش

کاغذ
اخبار

بصورت رسمی از اندرون خارج یا بدان داخل شود از این طریق رفت و آمد می‌کرده است. مسجد کوچکی که روبروی این دروازه قرار داشته را نیز با نام «مسجد درب اندرون» می‌شناسند.

نارنجستان‌ها

در ضلع جنوب شرقی اندرونی، باغ مسمی به مهدعلیا حفظ نیز شد. در جوار آن دو باغ دیگر هم دیده می‌شود. از مجموعه مطالعاتمان اینطور استنباط کردیم که به همه این باغ‌ها نارنجستان اطلاق می‌شده است، منتهی با صفاتی متمایز؛ برای مثال در خاطرات ناصرالدین‌شاه با نام نارنجستان دراز (ناصرالدین‌شاه. ۱۳۰۶ق: ۹۷) یا نارنجستان وسط (ناصرالدین‌شاه. ۱۳۰۶ق: ۹۷) مواجه می‌شویم.

حدس‌مان این است که باغ مهد علیا همان نارنجستانی است که محمدحسن خان صنیع‌الدوله، پنج سال قبل از آنکه فکر تغییر در مجموعه اندرونی به ذهن کسی خطور کند، ضمن بیان «تغییر وضع دارالخلافه» در روزنامه ایران سال ۱۲۵۶ (۱۲۸۴ق) توصیف می‌کند. آنچه بیش از همه در توصیفات او جلب توجه می‌کند صفای نارنجستان است (اعتمادالسلطنه. ۱۳۹۱: ۳۶۴). مهم‌تر از همه اینکه انواع درختان مرکبات پرپار و قوی و پر سایه مانند نارنج و لیمو و نارنگی به دو ردیف کاشته شده‌اند؛ و می‌دانیم که نگهداری از مرکبات در اقلیم خشک تهران چه دشوار است. علاوه بر مرکبات در میان قطعات باغچه‌ها انواع درختان بلند و بزرگ و گل‌های فصلی کاشته شده است. دوم آبی است که دائماً جریان دارد و از میان نهرها، و حوض گرد و بزرگش می‌گذرد. این آب از قنات تقریباً جدیدی ناصری (تأسیس از ۱۲۳۹/ ۱۲۷۷ق) تأمین می‌شده است. در میان نهرها چهل فواره وجود دارد و ماهیان قرمز درونشان شنا می‌کنند. در ضمن آن حوض بلورینی که تزار الکساندر پس از جنگ نخست ایران و روس به فتحعلی‌شاه هدیه داده بود، و در عمارت بلور قدیم (در محل اتاق آئینه فعلی) نگهداری می‌شد، پس از تخریب آن عمارت به اینجا انتقال داده شد. دیوارهای اطراف باغ بسیار مرتفع و تماماً کاشیکاری شده است.

حیاط سر در الماسیه

بیش از ده سال پیش از تصمیم برای تخریب کلی اندرونی، در محل برخورد خیابانی که از میدان توپخانه جدید به قصر می‌رسید، سردر با شکوهی ساخته شد که معمولاً با عنوان سردر الماسیه خطاب می‌شود. این عمارت جزئی از مجموعه خیابان باب همایون بود که دروازه دولت را به دروازه اندرونی قصر شاه متصل می‌کرد و در ۱۲۵۰ (۱۲۸۸ق) به مباشرت محمد رحیم خان علاءالدوله ساخته شده بود (اعتمادالسلطنه. ۱۳۰۶ق: باب هفتم – ۷۶). در همان زمان به محمود خان ملک الشعراء، نقاش دربار اجازه داده شد تا بر سر دروازه دولت



رفته و از این خیابان طرحی بنگارد که اکنون در گنجینه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

حیاط چشمه و حیاط انارستان

با مقایسه (کرشیش، ۱۲۷۵ق) و (نجم‌الملک، ۱۳۰۹ق) می‌توان حدس زد که دو حیاط از حیاط‌های اندرونی قدیم، پس از بازسازی و تغییرات، با مجموعه فرح‌آباد تطبیق یافته و باقی ماندند. همانطور که کمی پیشتر اشاره شد، حیاط چشمه حداقل از دوران فتحعلی‌شاه باقی یوده، و مبتنی بر نامش، بنظر می‌رسد که مظهر قنات مهرچرد



در آن واقع شده است؛ هرچند مظهر این قنات فعلاً در جویهای پای شمس‌العماره در خیابان ناصرخسرو است (مالکی. ۱۳۸۴: ۹۱) اما عقل سلیم حکم می‌کند که آب تنها قنات این محله بیش از آشکار شدن در خندق ارگ به هر تدبیر نخست در منزل شاه بجوشد. اما سندی دیگر وجود دارد که این فرض را تقویت می‌کند و آن دست‌نوشته‌های غلامعلی‌خان عزیزالسلطان از خاطرات دوران عزیزی او نزد سلطان است. وی هنگامی که به توصیف عمارت اندرونی می‌پردازد حیاط بزرگ اول را حیاط سرچشمه قید می‌کند که قنات قدیم تهران از آنجا بیرون می‌آمد، حوض بزرگی داشت و چند تن از اهل و عیال شاه در آنجا منزل داشتند. او این حیاط را در جوار حیاط سردر الماسیه ذکر کرده است (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق: ۳۶۴) که با فرض ما و آنچه نقشه نشان می‌دهد مطابقت دارد.

حیاط دیگر حیاط خلوتی بزرگ است به مساحت تقریبی ۸۰۰ مترمربع

و ابعاد تقریبی ۴۰ در ۲۱ متر. بازم براساس نوشته‌های عزیزالسلطان نام این حیاط انارستان است زیرا بنظر می‌رسد او حیاط‌ها را به ترتیب از بالا به پایین می‌شمارد تا به حیاط پشت اتاق موزه می‌رسد (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق: ۳۶۴). همانطور که از نام آن برمی‌آید باید باغ انار بوده باشد، و آنطور که (کرشیش، ۱۲۷۵ق) نشانش داده مستقیما به حیاط پشتی ایوان تخت مرمر راه داشته است، بنابراین می‌توانسته جزئی از بیرونی نیز بوده باشد. در خاطرات ناصرالدین‌شاه از حیاط انارستان، آنجا که به فوت بلقیس در آذر ۱۲۶۷ (۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۰۶) اشاره می‌کند، نامی از انارستان ذکر شده است (ناصرالدین‌شاه. ۱۳۰۶ق: ۱۴۴).

تالار طَنَبی

وقتی به عکس‌های فرح‌آباد با دقت نگاه می‌کنیم، میان دیوارهای ضلع شمالی، و غربی تفاوتی محسوس در پرداخت و ظرافت حس می‌شود. سادگی و بی‌نقش و نگاری دیواره شمالی در مقایسه با ظرافت، کهنگی، و خط و خال دیواره غربی خبر از تفاوت تاریخی این دو قسمت می‌دهد. حدسم این است که قسمت کهنه‌تر همان عمارتی است که ناصرالدین‌شاه از دوران جدش به یادگار نگاه داشته است (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق: ۳۶۵). همان قسمتی که صنیع‌الدوله در روزنامه خاطراتش امین‌السلطان را بخاطر نیتش در تخریب آن محکوم کرده بود.

تالار طنبی در سال ۱۱۸۳ (۱۲۱۹ق)، و کمتر از یک دهه پس از آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه، بنا شد (رهنما، ۱۳۵۵: ربیع‌الاولی ۱۳۰۰). میرزا صادق وقایع‌نگار عمارت عشرت‌آئین را بوضع و ترکیبی می‌داند که در عرف مهندسین به طَنَبی مصطلح است. بنابراین نام عام عمارت عشرت آئین در دوران فتحعلی‌شاه، طنبی بوده است که در دوران سلطنت نتیجه‌اش تبدیل به نام خاص آن تالار شده است.

طنبی یا تنبی را محمد کریم پیرنیا در کتابش چنین تبیین کرده است: اتاق بزرگ یا دراز، و یا تالاری کشیده که در وسط ساختمان قرار دارد، دیوار آن پنجره ندارد، و اطراف آن را دیگر فضاها فرامی‌گیرند (پیرنیا. ۱۳۸۲: ۳۵۵ و ۲۳۴).

عمارت اندرونی و مشکلاتش

هنوز دو ماه از استقرار اهل حرم در اندرونی نگذشته بود که رفته رفته زمزمه‌های اعتراض از این گوشه و آن گوشه به شاه رسید. ظاهرا از آنجا که وضعیت اتاق‌ها با سلیقه خانم‌ها مطابق نیافتاده بود، پیش شاه رفته و از بدقمدی عمارت شکایت می‌کردند و شاهد دلایلش را نیز بیماری و کسالت مذهب خود شاه می‌آوردند؛ از قضا شاه از هنگام کشید که امین‌السلطان و دور و بری‌هایش برای مدتی حتی از رفتن نزد سلطان پرهیز داشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۱۳).

محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله در دومین روز از سال ۱۲۶۲ (۱۳ جمادی الاولی ۱۳۰۰) مأموریت یافت تا ترتیب چیدن و مرتب کردن کتاب‌های شاه را در اندرونی بدهد. او پس از دیدن آنجا در یادداشت‌هایش نوشت که «وضع اندرون شاه تغییر کرده است. سابق بر این مباشر اتاق امین اقدس بود. این عمارت جدید وضع را عوض کرده است. اقل بیگم خانم

کاغذ اخبار



ترکمان مباشر خوابگاه است» (اعتمادالسلطنه. ۱۳۵۵: ۲۲۹).

مدت زیادی از این جریانات نگذشته بود که نخستین علائم سل در ابراهیم‌خان امین‌السلطان بروز کرد. محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله اواسط بهار ۱۲۶۲ (اوایل رجب ۱۳۰۰ق) به عیادتش رفت و از اینکه می‌دید همچنان مشغول رسیدگی به حساب‌های بنائی است حرص خورد (اعتمادالسلطنه. ۱۳۵۵: ۲۳۱).

از ماه خرداد که هوا رو به گرمی گذاشت، شاه شب‌ها در خوابگاه جدیدش کلافه می‌شد. اتاقش رو به مشرق بود و سقفهای بلندی داشت که به در و دیوارش کاغذپیواری چسبانیده بودند. هم بوی رطوبت و کاغذ شاه را کسل می‌کرد (ملیچک. ۱۳۴۵: ۳۸۹) و هم عمارت جدید را، که چهارصد هزار تومان نقره (۱۰۰) خرجش کرده بود، نامیمون می‌دانست؛ زیرا ناخوشیش همچنان پلبرجا بود (اعتمادالسلطنه. ۱۳۵۵: ۲۲۴). این شد که در مدت تابستان شبها را در بیرونی قصر، و در عمارت برلیان استراحت می‌کرد (ملیچک. ۱۳۴۵: ۳۸۹).

کمی بعد شاه عزم دومین سفرش به خراسان را کرد. با وجود اینکه اطباء امین‌السلطان را از سفر منع کرده بودند اما او جزء همراهان شاه حرکت کرد، و سرانجام در نخستین روز مرداد ۱۲۶۲ (۱۸ رمضان

کاغذ اخبار

حاضر بود. یک طرف تجربرها را انداخته بودند تا حضار صحنه را تماشا کنند. چند دسته نوازنده مشغول نواختن بودند، و آن لایلا ملیچک کوچک (غلامعلی خان عزیزالسلطان) بازی می‌کرد. کلنگ نقره‌ای معروف شاه را آوردند. همان کلنگی که نوزده سال قبل‌تر، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، صدراعظم آن زمان و این زمان ساخته بود تا مراسم حفر خندق جدید شهر رسمیت بیشتری یابد. این کلنگ، که گویا هنوز در مجموعه کاخ گلستان نگهداری می‌شود، در این نوزده سال گم شده بود. کمی پیش‌تر امین‌السلطان کشف کرده بود که کلنگ نزد معمارباشی سابق و وزیرنظام فعلی محمدابراهیم‌خان بوده است، و آن را برای این مراسم حاضر کرده بود. شاه پیدا شدن کلنگ را به فال نیک گرفت و خود شخصا بر موضع عمارت جدید کلنگی بر زمین زد. سپس موزیک نواخته و بین مردم شربت و شیرینی پخش شد (ناصرالدین‌شاه. ۱۳۰۳ق: ۳۴۳).

هرچند ملیچک کوچک هنگام شیطنت در میان بزرگان خیال می‌کرده که صدراعظم با آن هیبت و وقار حضور داشته، کلنگ زده، خاک جمع کرده است، و در خاطراتش وفات او را سال بعد، مقارن با افتتاح عمارت خوابگاه، ذکر می‌کند (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق: ۳۹۰) اما براساس یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه می‌بینیم که به محض پایان مراسم و رسیدن به بیرونی قصر خبر وفات «جناب آقا» را به او می‌رسانند. شاه از این خبر متأثر می‌شود اما اندکی بعد خبر زنده شدنش می‌رسد. این اخبار متناقض ادامه دارد تا اینکه مستوفی‌الممالک بامداد دو روز بعد به رحمت ایزدی می‌پیوندد و او را در مزار اختصاصیش در ده ونک دفن می‌کنند (ناصرالدین‌شاه. ۱۳۰۳ق: ۳۴۴).

اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های خصوصی‌اش امین‌السلطان پسر را حقه‌باز می‌داند که می‌خواسته در وسط حیاط اندرون که یک کرور خرجش شده، و جز همان فضای حیاط هیچ صفایی ندارد، یک خوابگاه بسازد:

عمارت مختصر دو طبقه که بفرمایش همایون سه هزار تومان بیشتر خرج نشود اما این حقه بازی برای سی هزار تومان خرج تراشی است و اصل مقصود نزدیک بودن بطرف جنوبی که عمارت امین اقدس است و منزل ملیچک دوم. خلاصه سازی زدند، قربانی نمودند، شیرینی و شربت صرف کردند، شاه هم با کلنگ نقره پی عمارت را حفر کردند، چنانچه در سایر دول رسم است. وقتی که بنای عالی از قبیل سربازخانه یا مدرسه یا مریضخانهٔ پادشاه می‌گذارند باید بدست خود او سنگ بنا را زمین گذارد. پادشاه جمجاه هم برای خوابگاه خودشان این کار را کردند (اعتمادالسلطنه. ۱۳۵۵: ۴۲۶).

شاه این‌بار نیز بلافاصله بار و بندیلش را بست و عازم بیلاقات کجور مازندران شد (اعتمادالسلطنه. ۱۳۵۵: ۴۴۳). یک سال از آن تاریخ گذشت تا ۱۴ فروردین ۱۲۶۶ (۹ رجب ۱۳۰۴) که مجدداً میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان مراسمی برگزار، برای افتتاح عمارت خوابگاه اندرون شیرینی و میوه و پیشکش و غیره گذاشته، موزیکانچی حاضر ، و قربانی کرد (اعتمادالسلطنه. ۱۳۵۵: ۴۹۱).

شاه بعد از چند روز میل کرد که به عمارت خوابگاه جدید برود.

تغییرات پس از ناصرالدین شاه

در دوران سلطان صاحبقران بتدریج در گوشه و کنار اندرونی تغییرات مختلفی اعمال شده است. برای نمونه می‌توان تغییر در ترکیب و شکل باغچه‌ها یا برپا کردن نرده‌های آهنی دور خزانه را در تصاویر ردگیری کرد. اما طبیعی است که پس از ترور ناصرالدین‌شاه در نخستین ماه ۱۲۷۵ (ذی‌القعدة ۱۳۱۳)، و بر تخت نشستن شاه جدید تغییرات وسیعی در ترکیب ساکنین اندرونی اتفاق بیافتد. دلیل آن را نیز باید در تعداد زیاد ساکنین حرمخانه ناصری برشمرد. به روایت تاج‌السلطنه، ناصرالدین‌شاه در پایان عمر حدود هشتاد زن و کنیز داشت. هرکدام از آنها ده الی بیست کلفت و مستخدم داشتند. عده زن‌های حرمسرا به این ترتیب به پانصد تا ششصد نفر می‌رسید. در عین اینکه همه روزه خانم‌ها یا کلفت‌ها و خدمه از اقوام و عشایر خود جماعتی را می‌پذیرفتند و بالاستمرار در حرمسرا روزانه هشتصد تا نهصد نفر موجود بودند (تاج السلطنه، ۱۳۶۱: ۱۴).

هنوز ده روز از رسیدن مظفرالدین شاه به پایتخت نگذشته بود (خرداد ۱۲۷۵/ذی‌الحجۀ ۱۳۱۳ ق) که فوج زنان شاه شهید را به طرز ناخوش‌آیندی از فرح‌آباد بیرون کردند. قهرمان میرزا، پسرعموی شاه جدید، در خاطراتش نوشته است که تعدادی با الاغ، برخی پیاده، بعضی با تراموای، و آنها که وضعشان بهتر بود با کالسکه خُرد خُرد از سر در الماسیه بیرون می‌آمدند. مردم از بی‌سو و پا و لات و لوت، تا آدم حسابی در خیابان ازدحام کرده بودند. هر کس به خود وعده می‌داد و یکی را انتخاب می‌کرد. بعضی پیر و پاتال بودند، بعضی شاهزاده و ثروتمند، و بعضی جوان و خوشگل. آن شب در خانهٔ خیلی‌ها دعوا راه افتاده بود و زنهایشان تحمل زنی جدید در خانه را نداشتند. یکصد و دوازده زن صیغه‌ای و عقدی به همراه هزار و هفتصد کلفت و بچه و خواجه با زحمت و اشکال راهشان را از میان جمعیت باز می‌کردند و بیرون می‌آمدند. این زنها که سایهٔ آنها را آسمان نمی‌دید و هنگام بیرون آمدن از حرمسرا صدای دور شو، کور شو، عقب برو فرمایشی شاه گوش همه را کر می‌کرد با وضعی رقت‌آور ذره ذره بیرون می‌آمدند و در کوچه و خیابان‌های شهر ناپیدی می‌شدند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۰۳۰).

بسیاری خانم‌ها از خیلی وقت قبل برای روز مبادا خانه‌ای خارج از قصر خریده یا اجاره کرده بودند؛ برای مثال شکوه‌السلطنه مادر مظفرالدین‌شاه خانه‌ای در محله ارگ خریده بود. خودش در اندرونی زندگی می‌کرد و خواجه‌ها و پیشکارس‌هایش بر بیرونی. یا خانم انیس‌الدوله در محله عرب‌ها خانه‌ای اجاره کرده بود. بسیاری دیگر نیز در خیابان ناصری (ناصرخسرو)، و محله عرب‌ها(۱۲) صاحب ملک بودند. (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق: ۳۶۸). البته شکوه السلطنه مادر شاه جدید بود و انیس‌الدوله پیش از ناصرالدین‌شاه دار فانی را وداع گفته بود اما به هر حال این مثال‌ها اشاره به کیفیت روابط حاکم بر حرمسرا می‌کند و قابل تأمل است.

از آن پس باغ و عمارات مفصلش تنها برای دوازده زن مظفرالدین شاه، تعدادی خواجه و پیشخدمت، و اندکی نوکر حرم باقی ماند. در دوران مظفرالدین‌شاه، و مخصوصا به همت محمود خان حکیم‌الملک، عملیات عمرانی و معماری زیادی انجام شد.از جمله این کارها تغییرات مفصل در ساختمان عمارت خوابگاه بود (عزیزالسلطان. ۱۳۴۲ق:



۳۹۲). احتمالاً بزرگترین تغییر در ابعاد ساختمان اتفاق افتاده است. ابعاد خوابگاه مظفری حدود ۵۰ در ۲۸ متر شده و مساحت قاعده‌اش به ۱۴۰۰ مترمربع افزایش پیدا کرده ؛ که رقمی قابل توجه است، و فضای زیادی از حیاط فرح‌آباد را به اشغال خود درآورده است. خوشبختانه در تصویر هوایی تهران که به سال ۱۳۳۵ برداشته شده، و در مجموعه سازمان نقشه‌برداری ایران نگاهداری می‌شود، می‌توان تصویری از این عمارت مشاهده کرد. در این عکس عمارت خوابگاه و بخش کوچکی از دیواره غربی و جنوبی فرح‌آباد در میان ساختمان‌های هیولاش کاخ دارایی گرفتار آمده‌اند.

خزانه جواهرات سلطنتی همچنان در مرتبه زیرین عمارت خوابگاه قرار داشت زیرا بعد از خلع محمد علی شاه و تشکیل هیئت مدیره «حکومت موقت» در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۲۸۸ (۱۹ رجب ۱۳۲۷ ق) تصمیم گرفته شد جواهرات را با ثبت‌های موجود تطبیق و بررسی نمایند. این عمل تحت نظارت و سرپرستی حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری و سپهبدار تنکابنی و حسینقلی خان نواب و عده دیگری از امنای دولت وقت انجام شد. جواهرات را با ثبت‌ها و فردهای موجود تطبیق داده شد. صورت و سیاهه کامل و جامع و دقیقی مشتمل بر ۸۶۱ فرد تنظیم و در دفاتری بطرز منظم و صحیح ثبت شد. عین جواهرات در صندوقخانه سر به مهر در خزانه اندرون عمارت خوابگاه ضبط و دو باب درهای داخل آن در همان موقع به مهر هیئت مأمور بررسی جواهرات ممهور و جلو در خزانه هم از نظر اطمینان بیشتر با گچ و آجر تیغه و سفید شد (جلیلوند، ۱۳۴۸: ۴۸۸).

در دوران رضا شاه پهلوی نیز هر بار که جواهرات مورد بازرسی و بازرینی قرار می‌گرفت، بنا و عمله در آن را با آجر و گچ مسدود می‌کردند (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۵۶). بر ما واضح نیست که بخاطر قرار گرفتن خزانه در این عمارت بود یا به دلیلی دیگر که در دوران رضا شاه بخش اندرونی قصر، شامل فرح‌آباد و عمارت خوابگاه، به مالکیت دارایی درآمد.

در سال ۱۳۰۸ دولت در نظر گرفت که جواهرات سلطنتی را ارزیابی دقیقی کند. در کمال تعجب بدون استفاده از استادکاران ایرانی، هیئتی از جواهرشناسان خبره کمپانی بوشرون پاریس را آوردند تا تحت نظر یک کمیسپون کار خود را انجام دهد. مطابق معمول که هیچ کار قدیمی‌ها به نظر جدیدی‌ها صحیح نمی‌آید تصمیم گرفته شد که جواهرات از روی قطعات و پارچه‌ها پیاده شود. چون از نظر ظاهر در ترتیب جواهرات تغییر ایجاد شد دیگر با صورت‌های قبلی تطبیق نمی‌کرد لذا آنها را مجدداً طبقه‌بندی کرده و در دفاتر منظم ثبت و تطبیق آنها را بر فردهای سال ۱۳۲۷ قمری تصدیق شد. کلیه جواهرات در صندوقهای محکم جا و ممهور در خزانه اندرون عمارت خوابگاه کامی قیاس‌السبق قرار داده شد. از این تاریخ جواهرات سلطنتی دارای دفاتر جدیدی شد. در سال ۱۳۱۶ جواهرات سلطنتی به رعایت قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته بود مجدداً معاینه و بازدید شد. «سی‌وسه صندوق»به بانک ملی ایران جهت پستوانه اسکناس منتقل و قسمتی هم که بیشتر جنبه تاریخی داشتند در تالار موزه کاخ گلستان در قفسه‌های محکم و صندوقهای نسوز ضبط شد. در سال ۱۳۲۰ جواهرات موجود در اطاق موزه کاخ گلستان پس از تطبیق با صورت‌های قبلی در پنج صندوق و یک بسته و یک جعبه سر به مهر از کاخ گلستان به بانک ملی منتقل شد و در خزانه ملی قرار گرفت



(جلیلوند، ۱۳۴۸: ۴۸۹).

متأسفانه پس از تکمیل ساختمان‌های کاخ جدید دارایی در اواخر دههٔ سی و اوایل دههٔ چهل، عمارت‌های کهنه در نظر متولیان وقت وصلهٔ ناجور آمد، و با همهٔ تلاش‌هایی که برای تبدیل شدنشان به موزه انجام گرفت، شبانه و مخفیانه برای همیشه ویران شدند (ذکا. ۱۳۴۹:صص۲۵۶) و اکنون هیچ اثر ملموسی، جز همان دو نامی که ابتدا ذکر کردیم، در دست ما نیست.

کتابشناسی

اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان (۱۳۰۶ق). المآثر والأثار. بی‌جا: کتابخانهٔ ثنائی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان (۱۳۵۰). روزنامهٔ خاطرات. با مقدمه و فهراس از ایرج افشار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان (۱۳۹۱). رسائل. تدوین میرهاشم محدث. تهران: اطلاعات.

اقتصاد ایران (۱۳۷۶). اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم؛ گزارش هیئت بازرگانی هندبریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران ۱۹۰۴–۱۹۰۵م/۱۲۸۳–۱۲۸۴ شمسی. مترجمین معصومه جمشیدی و دیگران. تهران : موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

بامداد، مهدی (۱۳۴۷). تاریخ رجال ایران قرون ۱۲–۱۳–۱۴. جلد۶. تهران: زوار.

پرنیان، محمدکریم (۱۳۸۲). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: پژوهنده.

تاج‌السلطنه (۱۳۶۱). خاطرات. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.

جلیلوند، علی‌اکبر (۱۳۴۸). تاریخچه و ماجراهای جواهرات (سلطنتی ایران از اوایل صفویه تا به امروز) در وحید، خرداد ۱۳۴۸، شماره ۶۶، از صفحه ۴۸۱ تا ۴۹۰.

ذکاء، یحیی (۱۳۴۹). تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان. تهران: انجمن آثار ملی.

ذکاء، یحیی و محمدحسن سمسار (۱۳۶۹). تهران در تصویر جلد اول. تهران: سروش.

رهنما، مجید (۱۳۵۵). دورهٔ روزنامه‌های شرف و شرافت. تهران: افست. سمسار، محمدحسن و فاطمه سرائیان (۱۳۸۲). کاخ گلستان (آلبوم خانه). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

سمسار، محمدحسن و فاطمه سرائیان (۱۳۸۶). سیمای تهران در سده ۱۳ هجری قمری. تهران: زیربان: موزه عکسخانه شهر.



عزیرالسلطان، غلامعلی خان (۱۳۴۲ق). شرح حال. به کوشش حسین لعل. تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۵.

عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (۱۳۵۵). تاریخ عضدی. بکوشش عبدالحسین نوائی. تهران: بابک.

علویه کرمانی، حاجیه خانم (۱۳۸۶). سفرنامه عتبات و حج. به تصحیح رسول جعفریان. قم: نشر مورخ.

عیسوی، چارلز (۱۳۶۳). تاریخ اقتصادی ایران: قاجاریه، ۱۲۱۵–۱۳۳۲ ه‍.ق. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۲۷۴). روزنامهٔ خاطرات. بکوشش مسعود سالور و ایرج افشار. ۱۰جلد. تهران: اساطیر.

قمی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۸). القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب: یادگاری از دکتر اصغر مهدوی. تهران: ثریا.

کرشیش (۱۲۷۵ق). نقشه دارالخلافه طهران. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.

مالکی، احمد و احمد خورسندی آقایی (۱۳۸۴). قنات در ایران: مطالعهٔ موردی قناتهای شهر تهران. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

معبرالممالک، دوستعلی‌خان (۱۳۶۱). رجال عصر ناصری. تهران: تاریخ معاصر.

معبرالممالک، دوست علی (۱۳۳۹). یاد یک روز از دوران ناصری. در یغما، شهریور ۱۳۳۹، شماره ۱۴۶، صص ۳۰۶ تا ۳۱۰.

ملک‌المورخین، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری. تصحیح عبدالحسین نوایی. ۲جلد. تهران: میراث مکتوب.

مهرین بانو (۱۳۹۰). مهرین بانو. به کوشش فرخ غفاری و زیرنظر شهلا سلطانی. تهران: فرزانه.

ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۶ق). روزنامه خاطرات. تصحیح و ویرایش عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، بهار ۱۳۹۰.

ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳ق). یادداشت‌های روزانه. به‌کوشش پرویز بدیعی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، بهار ۱۳۷۸.

نجم‌الملک، عبدالغفار (۱۳۰۹ق). نقشه شهر دارالخلافه ناصری. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.

* مقاله نشر شده برشی از مقاله اصلی است. اصل آن در دفتر پژوهش کاخ گلستان موجود می باشد .